

تحلیل و بررسی قتل عمد در قرآن کریم و قوانین کیفری افغانستان

سید روح‌الله نقوی^۱

چکیده

قتل عمد و مجازات آن، پیشینه‌ی به درازای تاریخ بشر دارد و همواره با فراز و نشیب، افراط و تفریط همراه بوده است. در زمان نزول آیات الهی، دو دین آسمانی یعنی یهودیت و نصاری راه افراط و تفریط را در پیش گرفته بودند. در میان یهود مجازات قتل عمد، مطلقاً قصاص بود و نصاری مطلقاً قصاص را نفی می‌کرد. در بین اعراب نیز قصاص بود، اما منوط به قدرت قبیله‌ای که بعضاً، باعث قتل‌ها و جنگ‌های طولانی می‌شد و اگر قبیله‌ای قدرت انتقام و مقابله نداشت، قاتل هرگز مجازات نمی‌شد. اما اسلام راه وسط و به دور از افراط و تفریط ارائه نمود که ارزش و احترام بسیار والای به انسان داده است؛ قصاص را مجازات قتل عمد قرار داده و همچنین عفو و دبه را توصیه نموده است. قوانین کیفری افغانستان، در باب حدود، قصاص و دیات ساکت است؛ زیرا این مباحث را به فقه حنفی شریعت اسلام ارجاع نموده است اما در طی مواد قانونی، در صورت عدم اجرای مجازات قصاص بر اساس فقه، مرتکب قتل عمد را به مجازات‌های تعزیری محکوم نموده است. این پژوهش با تکیه بر مطالعات کتابخانه‌ای متکفل جمع‌آوری داده‌ها، استخراج مفهوم و تنظیم شده است؛ که نگاه قرآن و قوانین کیفری افغانستان را نسبت به جنایت بر نفس به صورت عمد می‌نمایاند.

واژگان کلیدی: قتل عمد، فلسفه قصاص، اهمیت قتل عمد در قرآن، واکنش کیفری.

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی.

مقدمه

در همه مکاتب حقوقی، جنایت بر نفس یکی از مهم‌ترین جرائم است و همیشه مجازات شدید را در پی داشته است. بر این اساس امروزه نیز موردتوجه جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی است. چنانکه می‌دانید دین اسلام دین جامع است و معجزه جاوید، قرآن را به همراه دارد که برای هر درد بشر درمانی دارد، پس نیاز بشریت امروز از یک سو، و تهاجم تبلیغاتی و فرهنگی دشمنان اسلام و سعادت انسان‌ها از سوی دیگر و همچنین اسلامی بودن قوانین و دین مردم افغانستان، ضرورت مطالعه تطبیقی این موضوع را ایجاب می‌نماید. پس ابهام و مسأله که به دنبال تبیین آن هستیم این است که نگاه قرآن کریم به قتل عمد و مجازات او چگونه است و این موضوع آن‌طور که باید در قوانین کیفری افغانستان منعکس شده است؟ بر این اساس در این نوشته به این پرسش اصلی و دیگر پرسش‌های فرعی پاسخ داده‌شده و نتیجه لازم گرفته خواهد شد.

۱. کلیات

قتل انسان در مباحث فقهی و حقوقی به اقسام مختلف تقسیم و تعریف شده است که هرکدام مبنای خود را دارد، با توجه به موضوع بحث که یک قسم بدون اختلاف از قتل یعنی قتل عمد است، ما در مباحث ذیل قتل عمد را مفهوم‌شناسی نموده، اقسام آن را برشمرده و تاریخچه کوتاهی از آن را بیان می‌کنیم.

۱-۱. مفهوم‌شناسی

تبیین واژه قتل عمد جهت تأثیرگذاری در مباحث آینده و تعیین محل نزاع، مهم و ضروری به نظر می‌رسد، لذا آن را از نظر لغت و اصطلاح تبیین می‌نماییم.

۱-۱-۱. قتل عمد در لغت

قتل عمد در کتب لغت چنین آمده است: «قتلی که در عمل و قصد هر دو عمد باشد و آن هنگامی است که عاقل بالغی آهنگ کشتن به وسیله‌ی که غالباً به آن قتل واقع گردد کند. در این صورت قصاص کنند». (معین، ۱۳۷۶، ص ۲۶۳۹) «قتل عمد موجب قصاص است نه دیه و قتل عمد هنگامی است که عاقل بالغی آهنگ کشتن کند به وسیله‌ی که

غالباً بدان قتل واقع گردد و اگر قصد کشتن کند با وسیله‌ای که ندرتاً به آن قتل محقق شود و اگر قتل تحقق یافت در این صورت اظهر این است که قصاص می‌شود» (دهخدا، ۱۳۳۷، ص ۱۶۲).

۱-۱-۲. قتل عمد در اصطلاح

قانون جزای افغانستان تعریف از قتل عمد ارائه نکرده شاید دلیل آن ارجاع جرائم موجب مجازات‌های حدود، قصاص و دیات به فقه باشد؛ اما در فقه، قتل عمد را مفصلاً تعریف نموده‌اند. به هر صورت می‌توان گفت، تعریفی که فقها و حقوق‌دانان ارائه می‌کند این است که قتل خارج کردن روح از بدن انسانی توسط انسان دیگر است. به هر حال در ذیل تعریف از منظر قرآن و قوانین کیفری افغانستان (هرچند ناقص) خواهیم آورد.

۱-۱-۲-۱. تعریف قتل عمد در قرآن

قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲). هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد.

از فراز اول آیه کریمه استفاده می‌شود که در قتل عمد نوع تعمد باید باشد، زیرا اگر سهواً باشد؛ اینکه در برابر نفس و یا به خاطر فساد مقتول در زمین نباشد معنی ندارد همچنان که در ادامه می‌فرماید قاتل این چنینی مانند کسی است که سوءقصد جان همه انسان‌ها را کرده است. لذا قتل عمد کشتن کسی با تعمد در فعل و قصد است (در قتل استفاده از ابزار کشنده به منزله قصد کشتن است) در حال که مقتول در حمایت شرع باشد.

۱-۱-۲-۲. تعریف قتل عمد در قانون

در مواد ۳۹۴ تا ۳۹۶ قانون جزای افغانستان که در مورد قتل عمد و مجازات آن است؛ تعریف از قتل عمد به میان نیامده است، بلکه احکام آن را بیان کرده است که در صورت سقوط قصاص، قاتل تعزیر می‌شود؛ و یا اینکه مرتکب قتل عمد در چه صورت محکوم به اعدام می‌شود؛ اما در فقه جزایی قتل عمد غالباً این‌گونه تعریف می‌شود: «وهو ازهاق النفس المعصومة المكافئة عمداً و عدواناً» (محقق حلی ق ۱۴۰۸، ص ۱۸۰).

«قتل عمد موجب قصاص عبارت است از اخراج نفس محترم و برابر به‌طور عمد و عدوان» (صادقی ۱۳۸۴، ص ۳۷).

۱-۲. تاریخچه قتل عمد

قتل عمد جرمی بسیار قدیمی است که از زمان استقرار نسل بشر بر زمین تا امروز وجود داشته و در طول تاریخ از مجازات‌های سنگین برخوردار بوده است که در اکثر موارد با افراط و بی‌عدالتی‌های در مجازات و یا به دلایل با عدم مجازات همراه بوده است؛ اما بعد از ظهور اسلام در مسیر عدالت و راه میانه قرار گرفته است که در گفتارهای این مسأله بیان می‌شود.

۱-۲-۱. قتل عمد قبل از اسلام

قتل عمد از جرائم سنگین و زنده‌ای است که با استقرار نسل آدمی بر زمین همراه است، همچنان که قرآن کریم در مورد فرزندان آدم، داستان آن‌ها را مطرح نموده و می‌فرماید: «فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ فَأَصْبَحَ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (المائده، ص ۳۰). «پس نفس [اماره] اش او را به قتل برادرش ترغیب کرد و وی را کشت و از زیانکاران شد».

در اجتماعات بدوی به دلیل انحصار روابط اجتماعی در رفع نیازهای اولیه زندگی، عدم وجود قدرت و حاکمیت مرکزی، موجب می‌شد زیان‌دیدگان از جنایت، رأساً نسبت به مجازات مجرمین اقدام نمایند. چراکه اولیاء مقتول از حمایت قدرت اجتماعی در جریان اعمال کیفر بر قاتل محروم بوده، مقابله با جانی را اقدامی کاملاً خصوصی و خانوادگی، تلقی می‌کردند که بی‌هیچ ملاک و ضابطه منطقی علیه مجرم اجرا می‌گردید. از این رو، گاه یک قتل، جنگ‌ها و قتل‌های بی‌شماری را در پی داشت به‌طوری‌که در بسیاری موارد منسوبین قاتل نیز از خشم بستگان مقتول مصون نبودند» (صادقی، ۱۳۸۴، ص ۲۴).

۱-۲-۲. قتل عمد پس از اسلام

در زمان نزول آیات نورانی قرآن کریم سه نوع برخورد را در مقابل مرتکب قتل عمد می‌توان بررسی کرد:

۱. مجازات قتل در میان اعراب فقط به‌صورت قصاص و قتل بوده، هیچ‌گونه حدودمرزی

نداشت و صرفاً بستگی به قدرت و ضعف قبایل داشت، گاه مردی را در مقابل مردی می‌کشتند و زن را در مقابل زن و گاه ده نفر را در مقابل یک نفر و در مواردی کار به جایی می‌رسید که قبیله را به خاطر یک نفر نابود می‌کردند (صادقی ۱۳۸۴، ص ۲۹).

۲. یهود صرفاً به قصاص معتقد بودند چنانکه در کتاب تورات در باب ۲۱، آیه ۲۳ و ۲۴ همچنین در باب ۲۵، اعداد در چند مورد آمده است: «او قاتل است و قاتل البتّه کشته شود» (قبله‌ای خوی، ۱۳۸۴، ص ۲۰۷).

۳. در میان نصاری به طوری که نقل می‌کنند، در هیچ مورد قتل تجویز نشده و فقط عفو و دیه در کار بوده است (صادقی ۱۳۸۴، ص ۲۹).

اما اسلام به انسان و حیات او ارزش والای را قائل است که هم به مقتول توجه دارد و هم به قاتل تا در مورد او عدالت رعایت شود و اوست که مجازات می‌شود و نه افراد دیگر.

زمانی که جامعه بشری، در مورد مجازات قاتل قتل عمد، دچار افراط و تفریط بود، «اسلام در این قسمت یک مسلک واسط و حد وسطی را انتخاب کرده، یعنی نه به کلی قصاص را الغاء کرده و نه آن را راه منحصر شمرده است، به این ترتیب که اجازه قصاص داده و در عین حال عفو و دیه را نیز مجاز دانسته است و در ضمن در قصاص تعادل و مساوات بین جنایت و کیفر را الزامی کرده است» (صادقی ۱۳۸۴، ص ۲۹).

۱-۳. اقسام قتل عمد

قتل عمد در فقه و حقوق بر اساس یک تعریف کلی خارج کردن روح از بدن انسان توسط انسان دیگر است؛ هرچند این اخراج روح تعبیر مجازی است، لذا گرفتن جان یک انسان به طور عمد می‌تواند به دو قسم باشد که یا مورد حمایت قانون و قرآن است و یا مورد نهی قانون و قرآن است. از این جهت اقسام قتل عمد را در ذیل مطرح می‌کنیم:

۱-۳-۱. قتل عمد مشروع

قتل عمد مشروع، قتلی است که قرآن آن را ظلم نمی‌داند و بلکه به آن دستور می‌دهد و همچنین قانون به انجام آن دستور می‌دهد و یا در مواردی حمایت خود را از مقتول برداشته است که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم.

۱-۳-۱. قتل عمد مشروع در قرآن

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيِّهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنصُورًا» (اسراء، ۳۳). «و هر کس مظلوم کشته شود به سرپرست وی قدرتی داده‌ایم پس [او] نباید در قتل زیاده‌روی کند زیرا او [از طرف شرع] یاری شده است». با توجه به این آیه، قتل که برای استیفای قصاص باشد گرچه عمد است ولی مشروع است و یا در آیه دیگر که می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲). «هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فساد در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد. پس قتل در برابر نفس و یا به دلیل فساد در زمین شامل این حکم نمی‌شود، بلکه اجازه کشتن با رعایت شرایط را دارد.

۱-۳-۲. قتل عمد مشروع در قانون

بر اساس مواد قانونی در برخی شرایط قتل عمد مجاز شمرده شده و فاعل آن از مجازات معاف است مثل دفاع مشروع. در این مورد قانون جزای جمهوری اسلامی افغانستان مقرر می‌دارد: «شخصی که به اثر دفاع از ناموس، زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در یک بستر مشاهده و فی الحال هر دو یا یکی از آن‌ها را به قتل رسانده یا مجروح سازد، از جزای قتل و جرح معاف اما تعزیراً حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد» (قانون جزای افغانستان، ۱۳۸۸، ماده ۳۸۹). قاتل در این ماده از قصاص معاف شده است و فقط به تعزیر از طرف حکومت محکوم می‌شود.

همچنین، در مورد، قصاص کسی که مرتکب قتل عمد نامشروع شده است، اشعار می‌دارد: «مرتکب قتل عمد در یکی از حالات آتی به اعدام محکوم می‌گردد» (قانون جزای افغانستان، ۱۳۸۸، ماده ۳۹۵). هرچند این ماده در مورد قتل عمد نامشروع و غیرقانونی است، اما می‌توان از آن استفاده کرد که قصاص‌کننده از طرف قانون اجازه قتل دارد و قصاص شده یا معدوم مورد حمایت قانون نیست.

۱-۳-۲. قتل عمد نامشروع و موجب قصاص

قتل عمد نامشروع و موجب قصاص، آن قسم از قتل عمد است که از قتل عمد در قانون

مراد است؛ لذا بعد از این، وقت واژه قتل عمد (بدون صفت مشروع یا نامشروع) استفاده می‌شود این قسم از قتل عمد مورد نظر است و آن قتل است که توسط قرآن کریم و قوانین کیفری منع شده و موجب قصاص است.

۱-۲-۳-۱. قتل عمد نامشروع در قرآن

در مورد قتل عمد قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ» (الإسراء، ۳۳). (و نفسی را که خداوند حرام کرده است جز به حق مکشید). بر اساس این دستور قرآن کریم نفس انسان‌ها محترم است و کشتن آن مشروعیت ندارد؛ مگر آنکه شرع اجازه داده باشد.

در آیه شریفه دیگر می‌فرماید: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲). «هر کس کسی را جز به قصاص قتل یا [به کیفر] فسادی در زمین بکشد چنان است که گویی همه مردم را کشته باشد. بر اساس این آیه، قتل عمد که به موجب قصاص و یا فساد طرف نباشد مثل قتل همه انسان‌ها است که خود نشان‌دهنده شدت قبح این جرم از نظر قرآن است.

در آیه مبارکه دیگر آمده است: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۹). «و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است باشد که به تقوا گرایید»، و همچنین در این آیه حکمت قصاص که مجازات همان قتل عمد بدون مجوز است بیان می‌فرماید و بر حمایت از حیات انسان تأکید دارد.

۱-۲-۳-۲. قتل عمد نامشروع در قانون

در مواد قوانین موضوعه، از حیات انسان حمایت صورت گرفته است و کسی بدون مجوز قانونی حق سلب آن را ندارد.

قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان اشعار می‌دارد: «(زندگی) موهبت الهی حق طبیعی انسان است هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد» (قانون اساسی افغانستان، ۱۳۸۸، ماده ۳۲). بر اساس این اصل قانون اساسی از انسان و حیات او حمایت شده است که تبعاً قتل او موجب مجازات است. و در قانون جزا چنین آمده است: «مرتکب قتل عمد در یکی از حالات آتی به اعدام محکوم می‌گردد». (قانون

جزای افغانستان، ۱۳۸۸، ماده (۳۹۵) به موجب این ماده مجازات اصلی و اولیه قتل عمد مرگ است مگر در موارد خاص که در مواد بعدی آمده است و این ماده گواه بر شدت این جرم است که مجازات سنگین اعدام را دارد.

۲. جرم قتل عمد در قرآن

از نظر قرآن کریم قتل عمد نه تنها جرم و ظلم است؛ بلکه در شرایطی که بشر در دام افراط، تفریط و بی‌عدالتی گرفتار بود، احکام حکیمانه‌ای در مورد قتل عمد و مجازات حیاتی قصاص را مقرر نمود و راه زیبا و دارای سود دنیای و اخروی «عفو» را در جلوی چشم انسان‌ها گذاشت که در مباحث آتی به آن اشاره می‌شود.

۲-۱. اهمیت قتل عمد و مجازات آن در قرآن

قرآن کریم به قتل عمد که در طول تاریخ حیات بشر همواره جرم بوده است، اهمیت ویژه می‌دهد و بر این اساس مجازات او را قصاص می‌داند؛ که این دو نکته را در ذیل بیان می‌داریم.

۲-۱-۱. اهمیت جرم قتل عمد در قرآن

اهمیت که قرآن به این جرم می‌دهد به خاطر اهمیت خود انسان در نزد قرآن است که قتل یک انسان را مساوی با قتل همه بشریت می‌داند: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا» (مانده، ۳۲). قتل و زندگی همه انسان‌ها در آیه، «کنایه است از اینکه ناس و یا انسان‌ها همگی یک حقیقت‌اند، حقیقتی که در همه یکی است، یعنی یک فرد از انسان‌ها و همه انسان‌ها در آن حقیقت مساوی هستند، پس اگر کسی به یکی از انسان‌ها سوء قصد کند گویی به همه سوء قصد کرده است. (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۵۱۸)

۲-۱-۲. مجازات قتل عمد و شرایط آن

قرآن کریم مجازات قتل عمد را قصاص می‌داند که در صورت محقق بودن شرایط آن و عدم عفو ولی دم، قاتل قصاص می‌شود.

۱-۲-۱-۲. مجازات قصاص

قرآن کریم می‌فرماید: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ» (بقره، ۱۷۸). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید در باره کشتگان بر شما [حق] قصاص مقرر شده». در این آیه که به دنبال داستان فرزندان آدم مطرح می‌شود از این جهت که نوع انسان گرفتار حسد و... می‌شود و دیگری را می‌کشد مجازات او قصاص است.

۱-۲-۲-۲. شرایط قصاص

در ادامه آیه فوق می‌خوانیم: «فِي الْقَتْلِ الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى» (بقره، ۱۷۸). «آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن». در این آیه و آیات دیگر قرآن، شرایط اعمال قصاص آمده که در این نوشته مختصر محل بحث آن نیست و هم به خاطر آنکه شرایط قصاص از موضوع بحث خارج و خود بحث گسترده‌ای است، به ذکر آن اکتفا می‌شود.

۱-۲-۳-۳. عفو و دیه بدیل مناسب برای قصاص

در این رابطه قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ عَفَىٰ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتَّبِعْ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدِّءْ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» (بقره، ۱۷۸). «و هر کس که از جانب برادر [دینی] اش [یعنی ولی مقتول] چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان [خون‌بها را] به او بپردازد این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماسست».

از آنجای که مجازات قصاص سنگین‌ترین مجازات‌ها است و انسان‌ها همواره در پی فرار و توجیه عدم اجرای آن بوده است، همچنان که در برخی مذاهب و مکاتب مشاهده می‌شود و راه‌های هرچند ناموفق برای آن می‌یابند؛ اما اسلام با مقرر نمودن قصاص، برای عدم اجرای آن راه موافق با عدالت و عاطفه انسانی را گزارده است که بهترین بدیل آن است؛ و آن عفو و دیه است. این را قرآن کریم رحمت الهی می‌داند.

۲-۲-۲. فلسفه مجازات قتل عمد در قرآن

قرآن کریم همان طوری که بیان شد قصاص را مجازات قتل عمد می‌داند؛ اما از طرفی

بر عدم زیاده‌روی در قصاص تأکید دارد و همچنین این حکم را دارای حکمت می‌داند که برای بشر حیاتی است.

۲-۲-۱. تعادل و مساوات برای قصاص

در این رابطه قرآن کریم می‌فرماید: «فَمَنْ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ» (بقره، ۱۷۸). «پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناک است». هیچ‌گونه زیاده‌روی را نمی‌پذیرد که در بین اعراب واقع می‌شد و یا بی‌عدالتی را رد می‌کند که در قوانین جمهوریایی به جای قصاص مرد که دختری را کشته بود دخترش را می‌کشت.

۲-۲-۲. حکمت پیشگیرانه و حیاتی قصاص

قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ» (بقره، ۱۷۹). «و ای خردمندان شما را در قصاص زندگانی است باشد که به تقوا گرایید». «این آیه از جهت فصاحت و بلاغت، شهرت زیاد دارد؛ زیرا قصاص گرچه مرگ است اما به جای حیات که زندگی است قرار گرفته است و یک قصاص موجب حیات انسان‌های زیاد دانسته شده است چراکه وقتی مرتکب قتل عمد، قصاص شود جلوی قتل‌های زیاد در جامعه گرفته می‌شود» (زراعت، ۱۳۷۹، ص ۳۱).

۳. جرم قتل عمد در قوانین کیفری افغانستان

در قانون جزای افغانستان قتل عمد تعریف نشده است و از طرفی موارد حدود، قصاص و دیات را به فقه حنفی ارجاع می‌دهد؛ اما از مواد این قانون رکن مادی و رکن روانی قتل عمد را می‌توان دریافت که در ادامه به آن خواهیم پرداخت.

۳-۱-۱. رکن مادی قتل عمد

به وجود آمدن رکن مادی قتل عمد متوقف بر عناصر و شرایط است که هرکدام را جداگانه تبیین می‌نمایم.

۳-۱-۱-۱. شخص موضوع جنایت

موضوع جنایتی، علیه تمامیت جسمانی که قتل عمد فرد بارز آن است، انسان غیر از قاتل است و این جرم علیه غیر انسان مثل حیوانات واقع نمی‌شود؛ هرچند موجب

ضمان است و از طرفی باید انسان زنده باشد که در غیر این صورت جنایت بر مرده یا سقط جنین مطرح می‌شود. این مطلب را می‌توان از کلمات استفاده شده در ماده ۳۹۵ که می‌گوید اگر مقتول از اصول قاتل باشد یا می‌گوید اگر عمل قتل بر موظف خدمات عامه در اثنای اجرای خدمت و یا می‌گوید اگر قاتل قصد قتل بیش از یک نفر را داشته و در ماده ۳۹۶ که می‌گوید قاتل قصد قتل شخص واحد و... استفاده کرد.

۳-۱-۲. حمایت قانون از حیات مقتول

یکی از شرایط اساسی در وقوع قتل عمد حمایت قانون از حیات مقتول است. اگر قانون حمایت خود را از مقتول برداشته باشد قتل عمد واقع نمی‌شود؛ مثل دفاع مشروع. لذا مقرر می‌دارد: «شخصی که به اثر دفاع از ناموس، زوجه یا یکی از محارم خود را در حالت تلبس به زنا یا وجود او را با شخصی غیر در یک بستر مشاهده و فی الحال هر دو یا یکی از آن‌ها را به قتل رسانده یا مجروح سازد از جزای قتل و جرح معاف اما تعزیراً حسب احوال به حبسی که از دو سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد» (قانون جزای افغانستان، ۱۳۸۸، ماده ۳۹۸). یا مواد ۳۹۵ و ۳۹۶ که کسانی را از حمایت قانون بیرون می‌کند. لذا قتل آن‌ها مجوز قانونی دارد که قتل عمد نیست و در تشکیل رکن مادی قتل عمد باید مقتول در حمیت قانون باشد.

۳-۱-۳. فعل ارتكابی

در قتل عمد، باید قصد ارتكاب جرم فعلیت یافته باشد؛ بنابراین با صرف قصد کشتن کسی قتل عمد محقق نمی‌شود؛ بلکه باید قتل به سبب و موجب فعل او باشد. «شخص از جرمی که نتیجه عمل جرمی او نباشد مسئول شناخته نمی‌شود.» (قانون جزای افغانستان، ۱۳۸۸، ماده ۲۸)؛ لذا از مواد ۳۹۵ و ۳۹۶ قانون جزا، معلوم می‌شود که فعل باید واقع شده و نتیجه محقق شده باشد.

۳-۲. رکن روانی در قتل عمد

قابل ذکر است که رکن روانی، باید بر مبنای استوار باشد تا رکن روانی قتل عمد را تشکیل دهد و آن عبارت است از: (۱) علم به موضوع؛ (۲) سوءنیت عام؛ (۳) معین بودن

هدف که در زیر توضیح داده می‌شود.

۳-۲-۱. علم به موضوع

در قتل، موضوع جرم انسان است و مرتکب در قتل عمدی باید به آن علم داشته باشد (آقای نیایا، ۱۳۸۵، ص ۶۵). این مبنا از اصطلاحات عمد، اصرار، مقتول، قاتل، قصد، یک نفر، چند نفر و... از مواد ۳۹۵ و ۳۹۶، به وضوح قابل استفاده است.

۳-۲-۲. سوءنیت

اصطلاحات «عمد در فعل»، «عمد در عمل» یا «قصد فعل» مترادف با سوءنیت عام در حقوق جزا به کار برده می‌شود. در تمام جرائم عمدی، سوءنیت عام از اجزاء اصلی رکن معنوی است (آقای نیایا، ۱۳۸۵، ص ۶۶). این سوءنیت، از اصطلاحات «قاتل»، «قصد» و همچنین «عمد» در صدر ماده ۳۹۵، روشن می‌شود. البته قتل عمد که جرم مقید به نتیجه است سوءنیت خاص نیز لازم است که قاتل قصد کشتن و یا وسیله را که معمولاً کشنده است استفاده کند.

۳-۲-۳. معین بودن هدف

معین بودن هدف آن است که مقتول همان هدف باشد که قاتل قصد او را کرده باشد، بنابراین، خطا در نشانه روی در کار نباشد. این جزء از رکن روانی به دلیل اینکه قصاص، به فقه حنفی ارجاع شده است و در قانون تعریف نشده است در مواد قانونی واضح نیست، اما از مواد ۳۹۵ تا ۳۹۷ که در پی ارائه موارد و مصادیق قتل عمد است می‌توان استفاده کرد.

نتیجه گیری

قرآن کریم تجاوز به تمامیت جسمانی انسان به خصوص قتل عمد را جرم سنگین و مجازات شدید برای آن در نظر گرفته است که قصاص است و قصاص را مایه حیات انسان معرفی نموده است؛ اما در عین حال برای صرف نظر کردن از قصاص قاتل راه را در پیش روی ما قرار داده است که مطابق با عواطف انسانی و برخوردار از سعادت دنیایی و اخروی است که خود آن را به حق به رحمت الهی تعبیر می‌نماید.

قوانین کیفری افغانستان که قانون جزا فرد بارز آن است مصوب سال ۱۳۵۵ است. در آن زمان قانونگذار برای فرار از دشواری تدوین قانون جزای کامل و هم‌چنین به‌خاطر فشارهای سیاسی و... حدود، قصاص و دیات را به‌فقه حنفی ارجاع کرده است؛ و خود در راستای تعزیرات قانون جزا را تدوین نموده است. لذا هم‌قانون‌بازینی نشده است و هم ارجاع به‌فقه ابهام و اختلاف آرا را در پی خواهد داشت. بااین‌وجود قوانین کیفری افغانستان قوانین اسلامی و دقیق است.

البته جای پژوهش در آیات قرآن کریم که مربوط به جنایت بر نفس می‌شود فراوان است؛ ازجمله می‌توان به اصلاح و تربیت مجرم در قتل عمد از نظر قرآن اشاره کرد. همچنین جای بحث در قوانین کیفری افغانستان باقی است؛ مثل قانونی بودن جرم و مجازات، کارایی نظام کیفری و تأمین اهداف حقوق کیفری با جرم‌انگاری کنونی جرم قتل عمد در حقوق کیفری.

منابع

قرآن کریم.

۱. آقایی نیا، حسین، ۱۳۸۵. جرائم علیه اشخاص، چاپ دوم، تهران: نشر میزان.
۲. دهخدا، علی‌اکبر، ۱۳۳۷. لغت‌نامه دهخدا، جلد ۳۸، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳. زراعت، عباس، ۱۳۷۹. شرح قانون مجازات اسلامی بخش قصاص، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
۴. صادقی، محمدهادی، ۱۳۸۴. جرائم علیه اشخاص، چاپ هشتم. تهران: نشر میزان.
۵. علامه طباطبائی، سید محمدحسین، ۱۳۸۸. ترجمه تفسیر المیزان، چاپ بیست و هشتم، با ترجمه سید محمدباقر موسوی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۶. فولادوند، محمدمهدی، ۱۳۷۳. ترجمه قرآن کریم، تدوین توسط محمدرضا انصاری و سید مهدی برهانی، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۷. قانون اساسی افغانستان، مصوب ۱۳۸۸.
۸. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۸۸.
۹. قبله‌ای خوی، خلیل، ۱۳۸۴. آیات الاحکام، تهران: سمت.
۱۰. محقق حلی، جعفر بن حسن، ق ۱۴۰۸. شرایع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، چاپ دوم، قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۱. معین، محمد، ۱۳۷۶. فرهنگ فارسی، ج ۳، چاپ دهم، تهران: امیرکبیر.